

قطعه‌نامه سمینار بین‌المللی کمونیستی

## خاورمیانه بزرگ

وسیع‌ترین پایگاه نظامی

آمریکا برای تهاجم

ترجمه از: ک. رحمانی

اتحادیه اروپا بلوک امپریالیستی قدرتمندی است که اکنون می‌تواند با ایالات متحده آمریکا در برنامه‌های اقتصادی و مالی رقابت کند. در سال 2001 کسری ناخالص ملی ایالات متحده آمریکا بالغ بر 10000 میلیارد شد. در سال‌های اخیر تضاد بین اروپا و ایالات متحده آمریکا در همه عرصه‌ها شدت بحرانی شده است. در عرصه اقتصادی ایالات متحده آمریکا یک سلسله اقدامات در پشتیبانی از صنایع داخلی بعمل آورد، بویژه در واردات فولاد سهمیه بندی کرد.

در عرصه توافق‌های بین‌المللی ایالات متحده آمریکا از امضاء پروتکل کیوتو درباره تحدید و حذف گاز کربنیک، طرح ممنوعیت تسلیحات بیولوژیکی و از قراردادهای انفجاری و دادگاه بین‌المللی روی برمی‌گرداند. در عرصه‌های نظامی تضاد بین هژمونی آمریکا و امپریالیسم اروپا هرچه بیشتر شدیدتر می‌شوند. ایالات متحده آمریکا ضمن آگاهی از ضعف استراتژیکی خود، ناچار است حمایت سیاسی و نظامی اروپایی‌ها را، زمانی که او نیارمند اعزام تعداد بیشتر نیروی نظامی به میدان جنگ است و برای اینکه «نظم نوین جهانی» خود را برقرار کند، جستجو کند. دستگاه رهبری بوش برای اینکه امپریالیسم اروپا را به هژمونی ایالات متحده آمریکا وابسته و کنترل خود را بر اروپا حفظ کند، مفهوم جغرافیایی جدیدی بنام «**خاور میانه بزرگ**» اختراع کرد. نیکولاس بارنس نماینده دائمی ایالات متحده آمریکا در شورای ناتو، ضمن سخنرانی خود در جلسه سران ناتو در پراگ در 19 اکتبر سال 2003 اظها داشت که «مخصوصاً لازم است که ما روی «خاور میانه بزرگ» در دستگاه رهبری بوش تمرکز کنیم».

«خاورمیانه بزرگ» منطقه وسیعی است که از آسیای مرکزی شروع شده و با شامل شدن آفریقای شمالی تا خاورعربی ادامه می‌یابد. این منطقه گویا با «تروریسم» و «تسلیمات کشتار دسته‌جمعی» اروپا و همه جهان را تهدید می‌کند. این به اصطلاح تهدیدها جایگزین «تهدید» موهوم از جانب اتحادشوروی شد و به ایالات متحده آمریکا امکان داد که اروپای غربی را در جریان بیش از چهل سال تحت فرماندهی خود نگه دارد. مفهوم «خاورمیانه بزرگ» برای اینکه پوششی به سیاست حکم‌فرمایی آمریکا و جنگ در مقیاس جهانی شود، اندیشیده شد. جنگ‌های اشغال‌گرانه ایالات متحده آمریکا در افغانستان و عراق می‌بایست ناتو را از حدود چارچوب اولیه خود، یعنی اروپا خارج می‌کرد. هژمونی آمریکا می‌خواهد ضمن گسترش حوزه عملیات ناتو تا آسیا و آفریقا، اروپا را به عنوان شریک در پیاده کردن نقشه‌های تسلط جهانی خود جلب کند و امپریالیسم اروپا را به هژمونی آمریکا وابسته و همان زمان کنترل خود را بر اروپا نیز حفظ کند.

در منطقه «خاورمیانه بزرگ» حاکمان آمریکایی می‌خواهند پایگاه‌های نظامی برای **تهاجم** آتی به چین، روسیه و در صورت امکان به هندوستان، بوجود بیاورند. اما آلمان، فرانسه و دیگر قدرت‌های اروپایی کمتر مایل هستند که به مقاصد استقرار تسلط جهانی آمریکا خدمت کنند. این کشورها به پیاده ساختن منافع و به انجام سیاست‌های خود مستقل از ایالات متحده آمریکا تلاش می‌ورزند. در دیدار سران اروپا در شهر لیسبون در ژوئن سال 2000، اتحادیه اروپا تصمیم گرفت که تا سال 2010 اقتصاد خود را به اقتصادی بسیار قابل رقابت تبدیل کند. امروزه اتحادیه اروپا تقریباً در عرصه اقتصاد به پای ایالات متحده آمریکا رسیده

و حتی در زمینه برخی نمودارها بر آن سبقت جسته است. از جمله در دو ساله اخیر ارزش یورو 46 درصد نسبت به دلار افزایش یافت.

امپریالیسم اروپا برای اینکه بیش از پیش به ایالات متحده آمریکا در برنامه و طرح سیاسی وابسته نشود، می خواهد ارتش خودی و مجتمع نظامی-صنعتی خود را داشته باشد. رهبری اتحادیه اروپا در نوامبر سال 2001 در شهر نیس طرح شورای وزیران دفاع را تصویب کرد که در رابطه با این طرح در ترکیب «نیروی واکنش سریع» 60000 نظامی، 400 هواپیما و 100 ناو جنگی خواهند بود و مهلت آمادگی آن ها برای عملیات جنگی 60 روز خواهد بود. این نیروی نظامی برخوردار از سیستم فضایی مراقبت خود بنام «گالیله» و سیستم اطلاعات الکترونیکی خواهند بود. مجتمع نظامی-صنعتی اتحادیه اروپا برپایه دو شرکت انحصاری غول آسا: Bae System (انگلیس) و EADS (نتیجه ادغام Dasa آلمان، Casa اسپانیا و Airo Spatiale فرانسه) است. ایالات متحده آمریکا در شکل گیری این ارتش اروپایی تهدید مستقیم ناتو را می بیند و با همه ابزار می کوشد از ایجاد آن جلوگیری کند.

از سوی دیگر ایالات متحده آمریکا به پذیرش هفت کشور سوسیالیستی سابق در ناتو، پس از تامین تابعیت کامل آن ها از منافع آمریکا با انعقاد قراردادهای دوجانبه موردنیاز، دست یافت. رامسفلد وزیر دفاع ایالات متحده آمریکا این کشورها را «اروپاییان جدید» نامید و امیدوار است که بدین ترتیب رهبری آمریکا درون ناتو تحکیم گردد. اما این کشورها جزو اتحادیه اروپا هستند - یا بزودی جزو اتحادیه اروپا خواهند شد. بورژوازی این کشورها چنانچه سیاست نظامی اتحادیه اروپا را مورد حمایت قرار ندهد، امتیازی از ورود به اروپای متحد کسب نخواهد کرد.

کاملاً قابل قبول است که اعتبار توافقات با امپریالیسم آمریکا در برابر امید به امتیازاتی که به بورژوازی برای عضویت «اتحادیه جدید» در اتحادیه اروپا نوید می دهد، تاب مقاومت ندارد. اتحادیه اروپا سیاست خود ویژه «مغزله» نسبت به روسیه را هدایت می کند. چنانچه روسیه در مهلت زمانی نتواند عضو اتحادیه اروپا شود، آنگاه آلمان و فرانسه به روسیه پیشنهاد قرارداد همکاری ممتاز را می کنند و حتی سخن درباره امکان ورود روسیه به ناتو نیز می رود. ایالات متحده آمریکا به چنین توسعه رابطه اتحادیه اروپا و روسیه از بیم آنکه اتحاد با روسیه می تواند بحساب قدرت هسته ای آن، اتحادیه اروپا را به رقابت با قدرت نظامی ایالات متحده آمریکا مستعد کند و می تواند پتانسیل اقتصادی اروپا را در سایه مناطق عظیم روسیه، اندوخته نفتی، گاز و دیگر مواد خام کمیاب افزایش دهد، مخالفت می ورزد. زیرا بازار داخلی اتحادیه اروپا در نتیجه به 150 میلیون مصرف کننده، افزایش می یافت. اتحادیه اروپا همانند ایالات متحده آمریکا، یکسان سازی قانون گذاری در کشورهای عضو خود را هماهنگ می کند. همه کشورهای اروپایی قوانین مشابهی اتخاذ و فهرست به اصطلاح سازمان های ضد تروریست را به منظور فشار به نیروهای انقلابی و اپوزیسیون های ضد سرمایه داری بتصویب رساندند. این اقدامات به منزله تامین رهبری امپریالیستی بر خلق ها است و حقوق اساسی آنان را پایمال می کند. (بروکسل 2- 4 ماه مه 2004)